وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارۀ ۳۲ | چهارشنبه ۴قوس ۱۳۸۳ | ۱۲ شوال المکرم ۱۴۲۵ - 24 November 2004

سرمقاله

دورۀ کشدار انتقال وحکومت موقت شش ماهۀ جدید!

ص۲

آخرین تحولات عراق تهاجم بر فلوجه

ص۵

استاد در نشست بررسی روند خلع سلاح:

نباید به سرنوشت آنانی بی توجه باشیم که همه هست وبود شان را برای آزادی وطن از دست داده اند

پروفیسور برهان الدین ربانی رهبرجمعیت اسلامی افغانستان روز سه شنبه ۸۳/۹/۳ با جمعی از سفرای خارجی ومسؤولین نظامی در مورد تسریع روند خلع سلاح، در منزل شان دیداد وگفتگو نمودند.

در این نشست سفرای کشورهای انلگستان، کانادا، جاپان، مسؤولین اداری DDR، معینان وزارت دفاع، تعدادی از اعضای دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان ، فرماندهان فرقۀ ۲۶ سرپل ، فرقۀ ۵۱ بلخ وفرقۀ ۷ ریشخور ، برخی مسؤولان ولایت بدخشان، شرکت نموده بودند.

در آغاز سفیر جاپان به نمایندگی از اشتراک کنندگان این همایش از همکاری جمعیت اسلامی افغانستان در اجرای برنامۀ خلع سلاح در کشور اظهار سپاس کرد و گفت: همکاری رهبران سیاسی که در جامعه نفوذ دارند برای ما با ارزش است. ص۵







استاد ربانی در دیدار با فرماندۀ عمومی نیروهای آیساف:

آنچه به ملت افغانستان وعده داده شده است باید عملی گردد

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت روز یکشنبه اول قوس با فرمانده عمومی نیروهای آیساف در افغانستان در دفتر کارشان دیدار نمودند و در بارۀ مسائل سیاسی وامنیتی با یکدیگر تبادل نظر نمودند.

استاد نقش نیروهای آیساف را در موفقیت انتخابات افغانستان مؤثر دانست و در مورد کار دولت آینده گفتند: باید به اعتماد مردم ارزش داده شود و آنچه به ملت افغانستان در مورد بازسازی، تأمین امنیت و رشد اقتصادی وعده داده شده است، عملی گردد. فرمانده نیروهای آیساف همکاری جمعیت اسلامی افغانستان وشخص استاد را در موفقیت انتخابات برجسته خواند. و در مورد برخی از مسائل امنیتی برای استاد توضیحات ارائه کرد.

استاد دربارۀ اختطاف کارمندان ملل متحد در کابل اظهار تأسف کرد و آن را خلاف ارزش های اسلامی وعرف افغانستان خواندند وهرچه زود تر خواهان رهایی آنان گردیدند.

دیدار تودیعی سفیر چین با استاد

استاد برهان الدین ربانی به تاریخ ۲ قوس با سفیر چین مقیم کابل که دورۀ کارش در افغانستان پایان یافته است، در منزل شان ملاقات کردند. در این دیدار استاد از مساعی کشور چین در بازسازی افغانستان و همکاری اقتصادی آن کشور ابراز سپاس نمودند و توجه شخص سفیر را در این زمینه پر ارزش خواندند. سپس آقای سفیر با اظهار سپاس از استاد گفت: در مدت دو نیم سال گذشته که من در افغانستان بوده ام شما را مردی با تدبیر، سیاست دان ودلسوز به کشورتان دریافته ام. همکاری شما در مسائل سیاسی، امنیتی وبازسازی با ارزش می باشد. سفیر چین پس از انجام دونیم سال کار در افغانستان به حیث سفیر چین در کشور هند به وظیفه اش ادامه خواهد داد.



روشنفکران و آیندۀ افغانستان

ص۳

عملکرد دولت درمبارزه علیه تولید وتجارت مواد مخدر ناکام بوده است

دولت افغانستان وجامعۀ جهانی طی دوسال گذشته برنامه هایی را به خاطر نابودی گشتزارهای کوکنار و مبارزه علیه تولید و تجارت مواد مخدر به اجرا در آورده، اما در این مبارزه چندان موفق نبوده است. یکی از برنامه هایی که چند ماه قبل در مناطق شرقی افغانستان عملی گردید، پاشیدن مواد سمی بالای کشتزارهای کوکنار بود. ساکنان این مناطق به علت این که پاشیدن مواد زهری کشتزارهای سبزیجات و دیگر فصول آنان را نابود ساخته است، اعتراض خود را به مقامات دولتی ابراز داشتند.

در پی این اعتراض، دولت هیأتی را موظف گردانید تا موضوع را بررسی نمایند. حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان هفتۀ گذشته مخالفت خود را با پاشیدن این مواد برکشتزارهای کوکنار ابراز داشت. وی گفت که مبارزه علیه مواد مخدر یکی از اولویت های دولت جدید وی خواهد بود اما با چنین شیوه یی مخالف است زیرا پاشیدن مواد زهری تأثیرات سوء برمحیط زیست وصحت ساکنان محل برجا خواهد گذاشت.

سازمان حقوق بشر با نشر اعلامیه یی مخالفت خود را با پاشیدن مواد زهری برای از بین بردن کشتزارهای کوکنار نیز ابراز داشته است.

پس از انجام انتخابات در افغانستان، دولت جدید آقای کرزی مصمم است تا برنامه هایی جدید را به خاطر مبارزه علیه تولید و تجارت مواد مخدر طرح وعملی سازد. سخن گوی دولت روز سه شنبه در یک کنفرانس مطبوعاتی عملکرد سه سالۀ ارگان های مبارزه با مواد مخدر را ناموفق دانسته واظهار داشت که تلاش هایی در جریان است تا مبارزه با تولید مواد مخدر منسجم تر گردد. بدین منظور قرار است. ص۵

گروگان های خارجی آزاد شدند

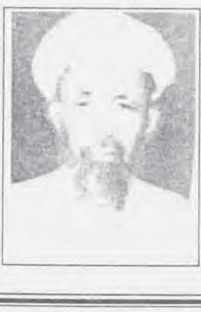


سه کارمند سازمان ملل که بیست وهفت روز قبل در کابل ربوده شده بودند دیروز آزاد شدند. آقای علی احمد جلالی وزیر داخلۀ کشور دیروز در یک نشست مطبوعاتی در مورد آزادی سه کارمند سازمان ملل که برای انتخابات افغانستان کار می کردند معلومات داد و به سوالات ژورنالیستان داخلی و خارجی پاسخ گفت: آقای جلالی در مورد جزئیات نحوۀ رهایی این گروگان ها توضیح بیشتر نداد اما گفت که آنها پس از عملیات نیروهای امنیتی کشور ونیروهای ائتلاف بین المللی آزاد شده اند.

مقامات امنیتی کشور گفته اند در جریان این عملیات یکی از گروگان گیرها کشته وچهار تن به شدت زخمی شده اند. مقامات امنیتی افشا نکردند که گروگان ها در کدام نقطه از شهر وتوسط چه کسانی ربوده شده بودند.

وزیر داخله گفت: رهایی این زندانیان در بدل پول و یا ص۷

شرح حال مولوی احمد گل



مولوی احمد گل فرزند مولانا عبید الله دراوائل سال ۱۳۰۴ هـ ش در قریه چهار باغ مربوط ولسوالی قرغه یی ولایت لغمان متولد گردیده . تحصیلات ابتدایی خویش را از علمای معروف منطقه فرا گرفت وبرخی از کتب معتبر را نزد پدر گرامی خویش که از علمای برجسته ومعروف افغانستان به شمار می رفت خواند. ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

دورهٔ کشدار انتقال وحکومت موقت شش ماههٔ جدید!

مادهٔ یکصدو پنجاه ونهم قانون اساسی ، دورهٔ انتقال را چنین تعریف می نماید :

"مدت بعد از انفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی ، دورهٔ انتقال شمرده می شود ."

همچنین طبق اعلامیهٔ دفتر مشترک تنظیم انتخابات، در مورد تاریخ انتخابات که به تاریخ ۱۹ سرطان امسال به نشر رسیده است، انتخابات شورای ملی در ثور ۱۳۸۴ برابر با اپریل ۲۰۰۵ برگزار خواهد شد.

با توجه به تاریخ انفاذ قانون اساسی (۱۴ جدی ۸۳) ، هرگاه افتتاح شورای ملی را به تاریخ ۱۴ ثور احتمال بدهیم ، پس دورهٔ انتقال مدت یک سال و چهار ماه را در بر خواهد گرفت.

بنا بر این با در نظر داشت بر گزاری انتخابات ریاست جمهوری و داشتن رئیس جمهور منتخب ، تأخیر انتخابات شورای ملی ، به درازا کشیدن دورهٔ انتقال وتشکیل حکومت جدید در آیندهٔ نزدیک؛ شکل وشمایل نظام سیاسی را - تا تشکیل شورای ملی - می توان چنین به تصویر کشید :

۱ - دورهٔ انتقال در برگیرندهٔ دو حکومت است :

الف:- حکومتی که پس از لویه جرگهٔ اضطراری به میان آمده وبا اندک تغییراتی همان حکومت ادارهٔ موقت است و باز هم با اندک تغییراتی تا امروز ادامه یافته است.

ب - حکومتی که قرار است با آغاز کار رئیس جمهور منتخب معرفی گردد. زیرا طبق مادهٔ یکصدو شصت ویکم قانون اساسی بعد از دایر شدن اولین جلسهٔ شورای ملی (پایان دورهٔ انتقال) در خلال سی روز ، حکومت وستره محکمه ... تشکیل می گردند.

۲ - نام رسمی کشور در حالی که طبق مادهٔ اول قانون اساسی "جمهوری اسلامی افغانستان" است وقانون اساسی نیز از ۱۴ جدی ۸۲ نافذ گردیده است وبا وجودی که در ۱۸ میزان ۸۳ انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردیده، واکنون دارای رئیس جمهور منتخب می باشیم ، باز هم به دلیل طولانی شدن دورهٔ انتقال "دولت انتقالی اسلامی" طبق مادهٔ ۱۵۹ قانون اساسی خواهد بود!!

۳- رئیس جمهور منتخب طبق حکم مادهٔ ۱۶۰ قانون اساسی با توجه به اعلام نتایج انتخابات در ۱۳ عقرب به تاریخ ۱۴ قوس باید به کار آغاز کند اما اکنون طبق اعلامیهٔ دولت که شام پنجشنبه ۲۸ عقرب از رادیو وتلویزیون پخش گردید. قرار است مراسم تحلیف در ۱۷ قوس یعنی سه روز دیر تر از موعد قانونی، برگزار گردد. ولی روشن نیست که بازهم رئیس دولت انتقالی اسلامی نامیده خواهد شد ویا رئیس جمهور ! ویا رئیس جمهور دولت انتقالی اسلامی ! ویا رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان ویا رئیس جمهوری اسلامی افغانستان؟

۴_ صلاحیت های شورای ملی در دورهٔ انتقال - طبق حکم مادهٔ ۱۶۰- به حکومت تفویض می شود بنابر این دو حکومت در دورهٔ انتقال (حکومت فعلی و حکومت آیندهٔ شش ماهه) مشمول آن می باشند.

۵ - مادهٔ ۱۶۰ قانون اساسی صراحت دارد که تا تأسیس شورای ملی ستره محکمهٔ موقت، به فرمان رئیس جمهور تشکیل می گردد ولی در مورد تشکیل حکومت موقت چیزی گفته نشده وفقط در مورد تفویض صلاحیت های شورا - چنانکه تذکر رفت - حکم شده است.

۶ - مادهٔ ۱۶۱ قانون اساسی بر ادامهٔ وظایف ارگان های اجرایی وقضایی دولت الی تشکیل حکومت و ستره محکمه تأکید دارد ولی روشن نیست :

ص۶

چرا آقای کرزی ۲ برنده شد؟

محمد تسیم فقیری

با آن که سه رقیب عمدهٔ آقای کرزی (آقایان قانونی ، محقق ودوستم) نیز آرای زیادی به دست آورده اند ولی با آنهم تعداد آرای آقای کرزی تقریبا هجده در صد بیشتر از مجموع آرای سه کاندیدای دیگر است!

از جملهٔ سه رقیب یادشده، آرای آقایان محقق ودوستم - با ملاحظهٔ مناطق وجمعیت - دقیقاً صبغهٔ قومی داشته است ولی آرای آقای قانونی می توانند تا حدودی در سطح ملی مورد ارزیابی قرار گیرد.

همان گونه که در مورد عوامل تأثیر گذار بر میزان آرای آقای کرزی صحبت گردید، به همین صورت می توان این عوامل را در آرای آقای قانونی نیز مورد بررسی قرار داد . بدین معنی که چه عواملی باعث گردید که آرای آقای قانونی از این هم کم تر نگردد وچه عوامل تأثیر گذار واگرها وهرگاه هایی بود که می توانست آرای محترم قانونی را خیلی بالا وتا سرحد پیروزی برساند؟

در مورد نخست باید گفت:

۱- در جریان مبارزات انتخاباتی تلاش صورت گرفت تا آقای قانونی به حیث یگانه کاندیدای مجاهد، بنیان گذار صلح ووارث ارزش ها وافتخارات جهاد ومقاومت قلمداد گردد.

۲- همچنین از عکس ونام قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود با بیان این که آقای قانونی وارث وادامه دهندهٔ راه آن شهید بزرگوار است، به صورت وسیع استفاده گردید. گرچه محترم احمد ولی مسعود برادر شهید مسعود ورهبر نهضت ملی طی نشست مطبوعاتی بر این امر خرده گرفته بود!

۳- به دلیل عدم صراحت وروشن نبودن موضع جمعیت اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری تا هفتهٔ اخیر قبل از انتخابات ، تعداد کثیری از مجاهدین ، آقای قانونی را کاندیدای جمعیت پنداشته وبه نفع او در کمپاین فعالیت داشتند!

برهمین بنا بود که برخی از اعضای جمعیت در گوشه وکنار کشور از فعالیت های خویش در این زمینه به صورت تلفنی ونامه یی به مرکز جمعیت گزارش می دادند!

۴- وجود نقاط ضعف بسیار در کمپاین وترکیب تیم های ولایتی کمپاین آقای کرزی تا حدودی به سود آقای قانونی تمام شد وتعدادی از رأی دهندگان در برخی از مناطق در واکنش به وجود افراد نا مطلوب در کمپاین آقای کرزی به نفع آقای قانونی عمل نمودند.

۵- مهم ترین عامل مؤثر را در این زمینه می توان تعویض غیر ضروری ویا بی موقع مسؤولان ولایات غربی کشور دانست واین امر باعث گردید تا متحدان قدیمی آقای کرزی در واکنش به این تحول ، از وی روگردان شوند ودر نتیجه طرفداران آنان به آقای قانونی رأی بدهند.

اکنون لازم است تا عوامل تأثیر گذار واگرها وهرگاه هایی را مورد بر رسی قرار بدهیم که می توانست آرای آقای قانونی را خیلی بالا وتا مرز پیروزی برساند:

۱- آقای قانونی از شخصیت های نام آور و سابقه دار جهادی می باشند که در جریان مذاکرات بن از هیأت دولت اسلامی وجبههٔ متحد ریاست می نمودند واز همان زمان - بیشتر از همقطاران خویش - در صحنهٔ سیاسی مطرح گردیدند وشهرت یافتند. مذاکرات بن فرصتی بسیار خوب ومناسب بود که در اختیار آقای قانونی قرار گرفته بود وهرگاه ایشان از آن فرصت استفاده یی خوب وشایان می نمودند به یقین که می توانستند از نردبان قدرت وزعامت با گام های شمرده ومتین به بالا بروند.

گرچه در اوراق تبلیغاتی مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ، اورا بنیانگذار صلح خوانده اند ولی با تأسف که جلسات بن وتوافقات آن هرگز پیوندی با صلح نداشته است زیرا از دوطرف منازعه وجنگ (دولت اسلامی یا جبههٔ متحد و طالبان) فقط یک طرف آن (جبههٔ متحد) در آن مذاکرات وتوافقات شرکت داشته وبس.

وطرف های دیگر جلسه روم جلسهٔ قبرس وگروه پشاور ، هیچ کدام نه تنها طرف درگیر نبودند، بلکه نقش چندانی در تعیین سر نوشت جنگ وصلح نیز نداشتند.

هرگاه قانونی می توانست با طالبان کنار بیاید وآنان را - که پس از مذاکرات عشق آباد حوت ۱۳۷۷ برادر خطاب کرده بود - به میز مذاکره وتوافقات صلح بکشاند، بی گمان شایسته بود تا او را بنیانگذار صلح خطاب نماییم وهرگاه چنین می شد . ما امروز شاهد استقرار صلح وامنیت در کشور می بودیم نه جنگ ، خرابکاری وعملیات تروریستی ! ومردم ما با احساس امنیت وآرامش ، آن را ما حصل ونتیجهٔ مذاکرات وتوافقات بن می دانستند وبالاخره این دست آورد سترگ عامل بزرگ پیروزی آقای قانونی در انتخابات ریاست جمهوری

سومین عامل تأثیر گذار ، سابقهٔ ماموریت وهمکاری او، در دوره های موقت وانتقالی وحتی تا روز اعلام نامزدی بود! روشنی وصراحت این سوابق به حدی بود که نامزدی او را بسیار عجیب وباور نکردنی می نمود! زیرا او بود که از بن تا روزهای قبل از اعلام نامزدی ،در کنار آقای کرزی قرار داشت

می گردید.

در تبلیغاتی که برای قانونی صورت گرفت، اجراآت وتصمیم گیری های او در مذاکرات بن وفراتر از صلاحیت های تفویض شده ، جسارت انقلابی ومایه مباهات پنداشته شده است، حالان که از نظر آگاهان - این عمل او - خبط سیاسی به شمار می رود.

۲- موصوف به حیث وارث افتخارات جهاد ومقاومت ومتعهد به حفظ ارزش های جهادی وانمود گردیده اند ولی حتی از نظر تعداد زیادی از همسنگران او ، این مطلب با اجراآت ایشان در منصب های وزارت داخله ووزارت معارف کمتر همخوانی داشته است و به اعتقاد ایشان هرگاه ارزش ها وافتخارات یاد شده به صورت جدی مورد توجه قرار می گرفت ، به یقین که تأثیر به سزایی در نتایج انتخابات ریاست جمهوری می داشت. اضافه برآن کار برد کلمات - نوین - و - اعتدال - در سخنرانی ها و اوراق تبلیغاتی وی ، هرکدام - از زاویه یی - بسیار عجیب می نمود، به خصوص کلمهٔ - اعتدال - که در دیانت اسلام ومشی سیاسی جمعیت اسلامی تازگی ندارد وتاکید برآن نمی تواند حاوی یک پیام جدید باشد.

مذاکرات بن فرصتی بسیار خوب ومناسب بود که در اختیار آقای قانونی قرار گرفته بود وهرگاه ایشان از آن فرصت استفاده یی خوب وشایان می نمودند به یقین که می توانستند از نردبان قدرت وزعامت با گام های شمرده ومتین به بالا بروند

۳- سومین عامل تأثیر گذار ، سابقهٔ ماموریت وهمکاری او، در دوره های موقت وانتقالی وحتی تا روز اعلام نامزدی بود! روشنی وصراحت این سوابق به حدی بود که نامزدی او را بسیار عجیب وباور نکردنی می نمود! زیرا او بود که از بن تا روزهای قبل از اعلام نامزدی ،در کنار آقای کرزی قرار داشت واورا یک شخصیت دارای سابقه جهاد و هجرت، سمبول وحدت ملی وبهترین انتخاب در شرایط موجود می دانست واز این هم با فراتر نهاده در جلسهٔ مهم وبا [illegible] ۸۳ رهبران وفرماندهان جهادی منعقده صدارت، اورا کاندیدای مجاهدین خوانده واز پیش به او تبریک گفته بود!!

۴- از نظر اکثر رای دهندگان، انتخابات ریاست جمهوری وبخصوص رقابت آقایان کرزی وقانونی یک رقابت جدی وبا مفهوم نبود؛ زیرا هر دو مجاهد ودارای سابقه وگذشته انتساب به دو تنظیم جهادی بودند وبعد هر دو از اراکین ادارهٔ موقت ودولت انتقالی ومجری طرح ها و برنامه های واحد ویا مشترک ! واگر آقای قانونی تشخیص داده بود که آقای کرزی شایستگی ریاست دولت را ندارد وخط مشی او قابل پذیرش نیست . پس باید از قبل از او فاصله می گرفت وراه خود را جدا می نمود وآنگاه می توانست با جرأت و با استناد به دلایل ونشانه های زیاد گذشته، در برابر او قرار گیرد و زعامت اورا به چالش بطلبد!

۵- هرگاه آقای قانونی می توانست شرکت کنندگان جلسات صدارت را متقاعد سازد تا از او پشتیبانی نمایند ویا موقفی را اتخاذ می نمود که به جای حمایت صریح وبی چون و چرا از آقای کرزی برای نامزدی خویش نیز نیمه راهی را باز می گذاشت و احتمال آن را در نظر می گرفت، بدون شک که این آمادگی ذهنی طرفین (آقای قانونی ومجاهدین) به سرنوشت انتخابات تأثیر بسیار می نمود.

۶- دیر جنبیدن آقای قانونی ، عامل مهم دیگری بود که آرای اورا پایین آورد .

او در آخرین ساعات آخرین روز ثبت نام، توأم با عجله وشتاب نامزدی خویش را اعلام داشت که بسیار دیر ونا اندشیده بود . این تصمیم ناگهانی فرصت های زیاد تفاهم با برنامه ریزی وهماهنگی های لازم را از او گرفت واز اتخاذ تصمیم مشترک وحتی نزدیکی با متحدین سیاسی - نظامی در جبههٔ متحد (آقایان محقق ودوستم) باز داشت.

ص ۳

روشنفکران و آیندهٔ افغانستان

••• پوهندوی عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

نسل کنونی کشور ما ، نسلی بحران زده است ، از همه مهم تر این که بحران وپراگندگی در درون قشر روشنفکری جامعهٔ ما وجود دارد. آنچه درمیان روشنفکران افغانستان مورد بحث است ، همان روش وهنجارها برای پیشرفت جامعه است. باید بپذیریم که روش در یک جامعهٔ غیر دموکراتیک قاعدتاً مورد غفلت وبی مهری قرار می گیرد، در این گونه جوامع فقط اهداف مهم است، این یک اشتباه مهم متدولوژیک است. اگر روشها به هنجار ودموکراتیک باشند جا به جایی قدرت بدون فاجعه صورت می گیرد. آنگاه نظام جدید مجبور نیست کسی را به جرم دگر اندیشی سر بزند ویا مورد تعذیب وآزار قرار دهد. ما شاهد بودیم در حاکمیت های دور و نزدیک افغانستان چقدر روشنفکران کشور نابود شدند، وعده یی از این اشخاص حتی نابغه ها وچیز فهمان مهم کشور بودند. در حالی که اختلاف فقط در متد وروش ادارهٔ کشور بوده است. جنبش های مشروطیت اول و دوم در سپیده دم قرن بیستم چگونه سر به نیست شدند و روشنفکرانی که در حاکمیت سال های شصت در افغانستان گیرمانده بودند به سرنوشت فاجعه باری محکوم گردیدند.

در نظام روشنفکری جامعهٔ ما پیچیدگی وجود دارد، طبق استاندردهای یونسکو در استانهٔ ۲۰۰۰م ، چه گروه ها وافرادی را می توان باسواد نامید؟ بسیار جدی است از جمله آشنایی با کمپیوتر از این معیار هاست. روشنفکر اگر با ملاک سارتر ، کامو ، ژید ، پوپر... وغیره سنجیده شود ، این جریان در افغانستان بسیار کمرنگ است.

در کشور های عقب مانده ، مثل کشور ما ، رژیم های سیاسی نه از طریق انتخابات همگانی ،بل به وسیلهٔ جنگ های مسلحانه وکودتا های نظامی و خونین جا به جا شده اند . طوری که دیده شده است جابه جایی یک نیروی جدید در عرصهٔ سیاسی برای هر فرد نظام قبلی چقدر وحشتناک بوده است . یکی از ویژگی های کشور ما علاقه مندی گروه های وسیعی از روشنفکران به سیاست بوده است، این امر از آغاز دههٔ قرن بیستم تا کنون ادامه دارد. روشنفکران، تحصیلکرده ها ، سازمان دهندگان ونیروهای اصلی تشکیل دهندهٔ قدرت احزاب بوده اند آحاد دیگر ملت و طبقات اصلی اجتماعی نه علاقه یی به این امر دارند ونه هم سوادی که آگاهانه عضو حزب یا گروه سیاسی گردند. بافت جامعهٔ ما طوری بوده است که اقتدار یک حزب موجب تباهی احزاب مخالف گردیده است. و یا حزبی که دیروز بر اریکهٔ قدرت بوده است، امروز در حالی که نخبه هم بوده باشد از او کاری ساخته نیست . مشکل اساسی برخی از روشنفکران ما در زمان قدرت همان عدم توافق اعمال آنها باگفتار شان بوده است. این حاکمان وارباب قدرت همواره از شعار های هویت ملی ، وحدت ملی وحاکمیت ملی که سه رکن مهم ملت

نابودی ارزش های سیاسی در جامعه توأم با نابودی انسانیت در جامعه است، اما مشکل بزرگ تر در کشور ما این است که مرزها مشخص نیست ، هر کس می خواهد ادعای روشنفکری کند آنچه روشنفکر را از غیر آن تمییز می دهد همان محک نقد اجتماعی است

است سخن گفته اند وخواستند بقای سیاسی خود را در زیر چتر این شعارها بپوشانند، در حالی که در زمان حاکمیت احزابی که در دههٔ شصت می زیستند. نه حاکمیت وسیادت ملی وجود داشت ، نه هم هویت ملی و وحدت ملی . گسست فرهنگی وفرار از ملت خودی، مردم را مجبور ساخت تا با استفاده از نصوص وآموزه های عالی اسلامی دست به جهاد ومقاومت بزنند.

این گونه سیاست در حقیقت کشتن انسانیت در سیاست وفدا کردن انسان در سیاست است کشتن یک میلیون انسان ویا بیشتر از آن ، آواره شدن میلیون ها انسان دیگر، معیوب گردیدن هزاران افغانستانی ، بیوه ویتیم شدن افراد جامعه ناشی از مرگ انسانیت در سیاست است . انسان کشتن برای اهداف سیاسی ، ناشی از بحران انسانیت در سیاست است. آنچه که در کشور ما جایگاه خود را باز نیافته وخیلی ها بحران زا بوده است، همانا عدم پالیسی های کلان ونا شناختن سیاست است. عده یی نشستند وگفتند هر کسی که روش کار ما را نپذیرفت دشمن ماست، باید آن را یک شبه سر نگون کرد، درصورت مقاومت آنها را باید کشت. این سیاست یا برپایهٔ فرار از دین بود ویا بر بنای این که هر دو تجربه در کشور به ناکامی انجامید تجاربی که کمونیزم جنگی ونظام طالبانی آن را تمثیل کرد وبحران آفرید. این سیاست مداران هر گز درک نکردند که مخالفان خود را چگونه درقدرت سهیم سازند وعدالت اجتماعی را تأمین نمایند. نابودی ارزش های سیاسی در جامعه توأم با نابودی انسانیت در جامعه است، اما مشکل بزرگ تر در کشور ما این است که مرزها مشخص نیست ، هر کس می خواهد ادعای روشنفکری کند آنچه روشنفکر را از غیر آن تمییز می دهد همان محک نقد اجتماعی است .

دانش وآگاهی گسترش یافته است . ولی هنوز محل مناسب خو را پیدا نکرده است. عنک [illegible] نقد هم مکتب های گذشته را تجربه وتحلیل نموده و چیزی جدید جاگزین آن نکرده است. به قول پست مدرنیست ها ما در بعد زندگی می کنیم وهنوز در آغاز چیزی نیستیم . ما در دنیای خاص خود قرار داریم ونمی توانیم در مورد بت های ذهنی وفرهنگی خود قضاوت نماییم. مثلا وقتی به یک آقا گفته شود که شما بر خلاف آرمان های میلیونی جامعه حرکت می کنید ، سرمایهٔ ملی را به نفع خود ونزدیکان خودحیف ومیل می کنید، گویا شما جنگی را آغاز کرده اید . این جرأت را فقط روشنفکر می تواند انجام دهد؛ کاری که سقراط انجام داد وجائزهٔ سلطنتی را نپذیرفت وبا کاری که سقراط انجام داد وجام شوکران ر نوشید . ملتی هستیم که تاکنون در برابر محک نقد وپرسش های اساسی، از خود مقاومت نشان می دهیم ، اما ما به وسیلهٔ روشنفکران آگاه می توانیم این بت های ذهنی دست وپاگیر را بشکنیم و خود را از نو بازسازی کنیم . ما در جامعهٔ خود ، همه به یکدیگر خود موعظه می نماییم وهیچ کس نیست که این موعظه ها را بشنود ، این سر درگمی اجتماعی جامعهٔ ماست. ما پیش از آن که همه چیز را دموکراسی ، پست مدرنیسم ، لیبرالیسم و ... بگوییم باید مقدماتش را که همان مدرنیته است داشته باشیم نخست باید بدانیم که

ملتی هستیم که تاکنون در برابر محک نقد وپرسش های اساسی، از خود مقاومت نشان می دهیم ، اما ما به وسیلهٔ روشنفکران آگاه می توانیم این بت های ذهنی دست وپاگیر را بشکنیم و خود را از نو بازسازی کنیم

مدرنیته چیست؟ مقدمات آن چیست؟ سپس شعار بدهیم . مارکس می گفت که باید بورژوازی پیشرفته به وجود آید، تا انقلاب معنی پیدا کند. زیرا در جوامعی که پرولتاری واقعی وجود نداشته باشد انقلاب پرولتاریایی صورت نمی گیرد. جریان مسلط سیاسی در کشور ما بیش از آن که کار گر صنعتی درکشور وجود داشته باشد ، این شعارها را همه روزه تکرار می کردند که برای مردم نا مفهوم بود . اما می ترسم که این شعارها که مقدماتش هنوز در کشور شکل نگرفته است، نزد مردم نامفهوم گردد. وظیفهٔ اساسی روشنفکر ، تفکیک ، نقد، تشخیص اولویت ها ، کوشش درجهت آشکار کردن آسفتگی مفاهیم و ... است . روشنفکر از افراط وتفریط می پرهیزد، وطرح مسائل را به میان می آورد، واقعیت ها را درک می کند . نقاط ضعف را نشان می دهد وگسست های فرهنگی را روشن می سازد وبه تحلیل وتجزیهٔ آن می پردازد. یعنی روشنفکر مانند کسانی که همه چیز را ایدیالوژیک فکر می کنند نمی اندیشد وبرای مردم نسخه یی واحد توصیه نمی نماید. روشنفکر در حالی که از یکسان سازی پرهیز می کند، با آن هم در بین تیپ های تکنوکرات که برای رسیدن به اهداف خود برنامه ریزی می کنند مقام بر تر دارد . یعنی می داند که دقیقا چه کار را انجام می دهد. در حقیقت کار تکنو کرات برنامه ریزی وادارهٔ دستگاه دولتی یا سکتور خصوصی مثل بانک، اقتصاد وغیره است. بهترین نقش روشنفکر در جامعهٔ ما همان نقش معرفتی آن است وکاری جز نقد ندارد. از این رو نقد معرفتی یک ضرورت حیاتی است و نقش آن برجسته کردن تضاد ها. در دستگاه دولتی، در قدرت سیاسی و در قدرت اجتماعی است. این نقد به مسائل مهم انگشت می گذارد. سارترمی گفت: روشنفکر آگاه شور بخت جامعه است زیرا نقش روشنفکر دفاع از حقیقتی است که هیچ وقت روشن نیست که چیست؟ او همواره موضع نقادی دارد. این چیزی است که در کشور ما خیلی هم کمرنگ است. وعقلانیت نقادی وجود ندارد واگر وجود داشته باشدباآن باسرنیزه برخورد می شود.

اما در ترکیب کابینهٔ انتخابی آیندهٔ افغانستان که به [illegible] چشم دوخته اند.

تکنوکرات های رفاه دیده که با برنامهٔ خاص دولتی وارد عرصهٔ کار زار خواهند شد، آنانی که در جهاد ومقاومت زیسته اند وقشر سوم روشنفکرانی که همواره می خواهند دشواری های کشور را تشخیص دهند. دیده شود که در این ترکیب نقش روشنفکران جایگاه آنها وسازش آنها وچالش هایی که در فرا راه این حکومت قرار دارد چگونه خواهد بود؟ چیزی است که باید انتظار کشید که آیا میدان به نفع تکنوکرات های غرب دیده است ویا عناصر ملی ومقاومت وروشنفکران داخل کشور در آن سهم دارند ؟.

چرا آقای کرزی ...

۷ـ عامل تأثیر گذار دیگر، موضع گیری های نوسانی او ـ در گذشته های نه چندان دور ـ بوده است که به نوعی بی ثباتی وبه اصطلاح هردم خیالی تعبیر گردیده است واز جمله :

الف – گفته می شد که در لویه جرگهٔ اضطراری نمی خواست وبسیار تلاش ومقاومت نمود تا پست وزارت داخله را از دست ندهد زیرا آن را مال غنیمتی می دانست که از معرکهٔ بن به دست آورده است ! ولی در آخرین روز ادارهٔ موقت ودر جریان تدویر آن لویه جرگه ، استعفای خویش را از آن پست اعلام نمود و آن را یک "قربانی بزرگ" خواند! که هردوی آن (استعفا وقربانی) بسیار عجیب ونا مفهوم بود!

استعفای یک وزیر در آخرین روز یک حکومت یا اداره چه معنی دارد؟!

وآیا استعفا و ـ یا تن دادن به فشار ـ ویا عدم اصرار به حفظ همان سمت رادر دولت آینده، می توان از نوع "قربانی" به حساب آورد؟ !

ب ـ در همان لویه جرگه که پست وزارت معارف به ایشان تفویض گردید، با ابراز خشم واحساسات آن را نپذیرفتند ولی به زودی از تصمیم خویش برگشتند وبه آن منصب قناعت نمودند!

ج ـ حمایت از آقای کرزی تا سرحد تبریک و بعد قرار گرفتن در برابر او نیز نشانهٔ بزرگ عدم ثبات تلقی گردیده است. این امر به اندازه یی مهم ودرخور توجه نا ظران اوضاع بوده که همگان را به احتمال انصراف او در روزهای آخر مبارزات انتخاباتی ، متیقن ساخته بود وهر روز شایعهٔ انصراف او ـ در بدل امتیازات ـ قوت می گرفت!

د ـ تحریم انتخابات در نیمهٔ روز انتخابات وبعد پذیرش آن وهمچنین اعلام نپذیرفتن نتایج انتخابات وبعد پذیرش آن وبه همین صورت قرار گرفتن در برابر کرزی وبعد تمایل به شرکت در حکومت آینده .... همه وهمه نشان دهندهٔ عدم ثبات در اتخاذ تصامیم وغلبهٔ عجله وشتاب بر تأنی وتدبیر بوده است !

۸ـ سردی رابطه وبی پروایی آقای قانونی با جمعیت اسلامی ــ که پروردهٔ دامان آن است ـ عامل مهم دیگر در این راستا به شمار می رود.

مرحوم دکتر عبد الحی الهی ـ پس از شهادت قهرمان ملی کشور ـ نوشته بود (مجله میهن سال ۸۰) که دو عامل را در تکوین ، رشد وتبارز شخصیت احمد شاه مسعود ، نمی توان نادیده گرفت :

اول تنظیم جمعیت اسلامی افغانستان ودوم رهبری وزعامت استاد ربانی .

۹ ـ آقای قانونی خود را کاندیدای تشکل جدید سیاسی به نام نهضت ملی می خواند و از سوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات و در اوراق رأی نیز کاندیدای این تشکل معرفی شده بود ولی رهبری نهضت نه تنها ایشان را کاندیدای نهضت ندانست که از این هم پا فراتر نهاد و از نامزدی آقای کرزی اعلام حمایت نمود!

معمولاً احزاب وسازمان های سیاسی پس از گذشت یک مدت زمان دچار افتراق و دو یا چند دستگی می گردند ولی نهضت ملی شاید در تاریخ احزاب وتشکلات سیاسی دنیا یک نمونه ومثال منحصر به فرد باشد که در همان آغاز وبدو تأسیس دچار آشفتگی وبحران گردید. بدین معنی که شورای تصمیم گیری ـ موقت ـ حتی قبل از تدویر مجلس مؤسسان نتوانست، تصامیم لازم را اتخاذ نماید ودر برابر نخستین چالش به زانو در آمد وزمین گیر شد ! یک تن از اعضای شورای تصمیم گیری نهضت ـ محترم احمد ضیا مسعود ـ به معاونیت یک کاندیدا ـ محترم کرزی ـ برگزیده شد ویک تن دیگر ــ محترم قانونی ـ خود کاندیدای مقام ریاست جمهوری گردید !

۱۰ ـ خط مشی آقای قانونی ، عامل دیگری بود که بر نتیجهٔ انتخابات می توانست تأثیر بگذارد. گرچه در کشور ما خط مشی ها بایستگی لازم را ندارد ولی آقای قانونی روزها وحتی هفته ها خط مشی خود را اعلام ننمود واین موضوع دارای دو احتمال بود :

اول ـ عدم تدوین خط مشی به دلیل عجله وشتاب در اعلام نامزدی.

دوم – ادامهٔ رابطه وتماس با مهم ترین نامزد ریاست جمهوری — رئیس دولت انتقالی ـ جهت حصول توافقات، امتیازات و در یک کلمه معامله در نتیجهٔ انصراف به سود آقای کرزی !.

ولی بالآخره خط مشی وی اعلام گردید اما حاوی نکات برجسته ومهم ـ به طور شایسته ـ نبود.

این همه عوامل یاد شده دست به دست هم داده وزمینه را برای پیروزی کاندیدای مهم ریاست جمهوری یعنی آقای کرزی مساعد ساخت واز صعود آقای قانونی به اوجنای قدرت جلوگیری نمود .

بوسهٔ باران

سید محمد ضیا قاسمی

گذشته ام
ازهرچه می بایست
به مانند آب
به مانند باد
به مانند هر آنچه زمین را در جست وجوست
رنگ ها را ورق زده ام
زیر ورو کرده ام بوها را
به هم ریخته ام
اصوات را
والفاظ را
گجایی تو که نمی یابمت
حتی
وقتی پرنده ها رسیدنت را
خبر می دهند
حتی وقتی درتاکسی کنارم می نشینی
وگوش می سپاری
به شعر هایم

•••

مهی عظیم
درچشم جهان است ای یار!
تو را نخواهد دید

با تمام زیبایی ات
با تمام گلهایی
که درسایهٔ مژگانت می رویند
با تمام پرندگانی
که از پیراهنت آغاز می شوند
تو را نخواهد دید
وانگشت ها همچنان برماشه ها خواهد ماند
درهیاهوی بمب باران
همچنان
ازلبان کودکان
شگوفه ها را پر خواهد داد
وشیوع باروت
باغ های جهان را در حسرت گل
خواهد ماند

•••

به مانند آب
به مانند باد
گذشته ام از هر چه می بایست
تابیا بمت
کوله بار کلماتم را زمین بگذارم
دست هایت را بگیرم
چشم در چشمت
بگویم که می خواهمت
بدان سان که ماهی آب را
بدان سان که گیاه آب را
آفتاب را

محمد اسحاق فایز

بازگشت

باز از کشور تردید تو بر می گردم
خسته در موجهء وسواس تو تر می گردم
شاهد غربت خود بودم ، اگر می پرسی
چه غریبانه برایت به نظر می گردم ؟
خون دل خوردم درچنگ تو اکنون، ویران
عشق را، پردهٔ آوار به سر می گردم
دگر اندیشه نکن، در دل سنگین تو من
غوطه خوردم اگرت حال چو زر می گردم
هستم آیینه ودر ذهن پریشیدهٔ خویش
مثل زلفان پریشان تو جر می گردم
مکنش باور اگر گفته کسی، حتی من:
باز از کشور تردید تو بر می گردم

په ځان ژړا

عبد الروف بینوا

یو د خپل خان نه یم نور چه ګوري دهر چا یمه
خدایږو د ژړا یمه ـ خدایږو د ژړا یمه
ځان ته درمل نه شوم ، خو د نورو تل دوا یمه
خدایږو د ژړا یمه ـ خدایږو د ژړا یمه
نوي شوه نغمه د ژوند ګرمه هنګامه د ژوند تیره قافله د ژوند
یو زه تنها پاتي بي جرس اوبي صدا یمه
خدایږود ژړا یمه ـ خدایږو د ژړا یمه

ځم په حرکت دبل یم په اشارت دبل ګړمه هدایت دبل
واک مي د ځان نشته ، دړندو دلاس امسا یمه
خدایږو د ژړا یمه ـ خدایږو د ژړا یمه
که نه مي کړ تدبیر بدل نه به شي تقدیر بدل ګرځم به ضمیر بدل
بیامي پښتون مه بوله ، پیغور د پښتونخوا یمه
خدایږو د ژړا یمه ـ خدایږو د ژړا یمه

دوغزل از محبوبه ابراهیمی

عصیان

آدمی را بهشت کافی بود، آدم از بوی سیب می ترسید

نه به سمت درخت هامی رفت، ونه چیزی زشاخه ها می چید

آه!آدم چقدر دلخوش بود، دلخوش رنگ های تکراری

دل من جذبه های نو می خواست، دل من بی تو داشت می پوسید

دل من رفته بود دنبالت، پایم از شاخه ناگهان لغزید

ورها شد دلم چوآینه ای ، کنج متروکی اززمین افتاد

وقتی ازخود به تنگ آمده بود، وقتی از آب ودانه سرپیچید

بعد از آن من و تو خلاصه شدیم دردل دانه ای به خاک ، اسیر

بعد از آن روزگار زندانی، تاهمیشه به دور من چرخید

•••

حال برگشته روزگار وخودم دام وزنجیر وبند وزندانم

ازپس قفل های پی درپی می شود پشت میله ها یم دید

ابرها ماجرای تلخ منند، هستی ام رعد وبرق وباران است

ابرومن ماجرای عصیانیم ، باید از رنگ وبوی ماترسید

نه هوا جای بال وپرزدن است، نه زمین درخور فرورفتن

دیگر این جا مجال ماندن نیست، آه باید به آسمان کوچید

دعقل وږي نشته

کامه وال

د پښتو متل دی، د عقل وږي نشته او د دوست مور د اوسنیا خبره ده چې تاسو نی عقلان هم خالیه بي عقله نه وايي او خان ته ډیرو پوهانو نه هم اوچت کني. تاسو څه وايي چې بي عقله څوک دي؟

خو زه وایم چې بي عقله هغه سر زوره انسان دي چې نه يي خپله یاده وي او نه د بل ته غوږ نیسي بس په شارو به روان وي خو ده ته به ښه ښکاري د دولت مور خو خکه نشته چې ډیرو کسانو توله دنیا خولي ته واچوله خو دا به بي له خولي نه وانه وري چې بس دي کني مور شوم چې مور شي نو نور هم پسي وري شي تاسو به لیدلي وي غریبانان خو غریبانان دي خو میلونران هم غریبي تبا کړل

دا ثابته شوه چې د عقل وږي نشته خو زه وایم چې د عقل نه بي عقلي ښه ده خکه چې د عقل خښتن په غم اخته دي هیڅ خاي کي خاي نه لري د هیچا ورسره جوړه نه د دوه معقولو سره یوخاي ګذاره نه کیږي سل بي عقله په یوه کور کي اوسیدي شي خو دوه پوهان سره یو ځاي ژوند نشي کولي

تاسو به چیري هم د فیلسوفانو او نابغو حکوتونه نه وي لیدلي چې جوړ شوي وي

عقل او پوهه چې چا کي زیاته شي په کور او کلي کي ورته ژوند تیرول مشکل شي

نابغه او پوهان همیشه خپلو ولسونو د کور او کلي او هیواد څخه شړلي دي او شپي يي ورسره نه دي شوي د پوهو او معقولو انسانانو څخه به د توري او میراني هیله هم نه کوي

خکه چې دوي هر څه د عقل په تله تلي عقل د سر زوري او نارامی دښمن دي همدا نا پوه انسانان دي چې د جګړي دګرونه تاوده ساتي که د ژوند د اړخ سره بي عقلي وتلو نو کوم خوند او مزه د ژوند چې په بي عقلی که شته هغه بیا په معقولیت کي نشي موندلي.

عقل چې په چا کي زیات شوي هغه بیا په سلګونو مرضونو اخته شوي کله چې عقلدومره وده او پرمختګ نه وکړي دا موټري الوتکي او نور تخنیکي وسایل چې موجود نه وو دا ژوند بیا داسي لا لهانده او سرګردانه هم نه و.

نه د موټرو په ټکر او چپه کیدو کي دومره تلفات وو او نه د الوتکو په راغورځیدو کي نه بجلي او برقونو دومره خلک وژل او نه به په بحر کي د بیړی وبیدلي ټول خلک بي غمه په اوړي کي د ونو سیوري ته او په ژمي کني د دیوالونو پیتاوو ته کیناستل که له یوي خوا نه آرامي راغلي خو د بل خوا نه غمونه هم ورسره شته دي دا ټوله د عقل اختراع او برکت دي چې نن ورخ په وړو کي ذروي بم سره ټوله دنیا تباه کیږي پخوا چې هیڅ نه وو ارامي او خوښي وه نن چي هر څه شته خو ارامي او خوښي نشته نوره ستاسي خوښه چې عقل ته ښه وايي او که بي عقلی ته خوزه وایم چې تاسو به حتماً عقل ته خکه ښه وايي چې بي عقلي د هیچا خوښه نده ان چې د بي عقله هم ؟؟؟

مجتبی مهرورز

آخرین تحولات عراق

تهاجم بر فلوجه

با وجود تصرف شهر فلوجه توسط آمریکایی ها، نا آرامی ها در این شهر و دیگر نقاط عراق همچنان ادامه دارد که در اثر آن ده ها تن از طرفین درگیر به شمول افراد ملکی کشته شده اند. بعد از دو هفته تهاجم گستردهٔ زمینی وهوایی ارتش امریکا بر شهر فلوجه، این شهر که در حدود نیم میلیون نفوس داشت اکنون به یک ویرانه مبدل شده است هرچند قوای امریکا برتمام نقاط این شهر مسلط شده اما تا هنوز گاه گاهی عملیات چریکی به وقوع می پیوندد وبیم دوام درگیری ها می رود. در تهاجم ارتش امریکا وملیشای دولتی برفلوجه بنا به قول نظامیان امریکا در حدود یک هزار ودوصد مقاومت گر کشته شده وهزارتن دیگر زخمی گردیده اند و در مقابل ۱۵ سرباز امریکایی کشته و در حدود سه صد سرباز دیگر زخمی شده اند، اما منابع مربوط به جبههٔ مقاومت ارقام تلفات خود را در حدود صد نفر ذکر نموده است.

ارتش امریکا به صلیب سرخ عراق ودیگر نهادهای خیریه اجازه نداد تا اهالی آن شهر را یاری رسانند.

همزمان با تهاجم ارتش امریکا بر فلوجه، مقاومت گران به دیگر شهرهای تحت کنترل دولت من جمله بعقوبه، رمادیه، موصل و... حمله نمودند و ده ها سرباز قوای مشترک را به قتل رساندند و برای چندین روز کنترل قسمت اعظم شهر موصل را به دست گرفتند. پس از تهاجم گستردهٔ سربازان امریکا به این شهر پلیس این شهر حاضر نگردید تا به وظایف خود باز گردد.

نظامیان امریکا وملیشای دولت روز جمعه به مسجد امام ابوحنیفه یورش برده ودست کم چهار نماز گزار را به قتل رساندند. حارث ضاری رهبر حزب هیأت علمای مسلمین، این حمله را محکوم نموده و خواهان رهایی فعالان واعضای این گروه شده است، دولت عراق تاکنون در حدود هفتاد تن از اعضای هیأت علمای مسلمین را که عمدتاً از احزاب سنی می باشند، باز داشت نموده است.

تعیین روز انتخابات

عبدالحسین هنداوی رئیس کمیسیون انتخابات عراق به روز یکشنبه اول قوس اعلان نمود که انتخابات پارلمانی به تاریخ ۳۰ جنوری ۲۰۰۵ (دوماه بعد) برگزار خواهد شد.

مردم عراق از طریق این انتخابات، پارلمان موقت ۲۷۵ عضوی را بـرعلاوهٔ نمایندگان شورای ولایتی انتخاب خواهند کرد. همچنان کردها در این روز اعضای پارلمان خویش را برخواهند گزید.

این پارلمان مامور به تدوین قانون اساسی

> **اگر سنی ها در انتخابات شرکت ننمایند مشروعیت انتخابات و قانون اساسی آیندهٔ کشور مورد شک وتردید قرار خواهد گرفت**

عراق خواهد بود که بعداً این قانون اساسی به همه پرسی گذاشته خواهد شد. و قرار است تا پایان سال میلادی ۲۰۰۵ یک انتخابات عمومی دیگر برگزار شود.

تحریم انتخابات

مردم جامعهٔ تسنن در اعتراض به باز داشت رهبران واعضای احزاب اسلامی تهدید نموده اند که در انتخابات اشتراک نخواهند کرد. اگر سنی ها در انتخابات شرکت ننمایند مشروعیت انتخابات و قانون اساسی آیندهٔ کشور مورد شک وتردید قرار خواهد گرفت.

سنی ها در عراق در اقلیتند. دیگر گروه های مذهبی مانند شیعیان که در اکثریتند حملهٔ امریکا به فلوجه را نکوهش کرده اندو همچنان آیت الله خامنه یی رهبر مذهبی ایران کشتار مسلمانان در فلوجه را محکوم نموده است.

بخشودگی قرضه های عراق

کشورهای بزرگ جهان طی نشستی روز شنبه ۲۱ عقرب در برلین خواهان بخشودن وام های عراق شدند، عراق ۱۳۰ میلیارد دلار بدهکار است.

آلمان وامریکا موافقه نموده اند که از هشتاد در صد قروض خود بگذرند. عراق از باشگاه پاریس ۶۰ میلیارد دلار وام دار است. اما این بخشودگی ها مشروط به میزان موفقیت عراق در عمل به برنامه های اقتصادی یی است که صندوق بین المللی پول تهیه نموده است.

جلسهٔ انجمن حمایت از عراق

نشست وزرای خارجهٔ کشورهای همسایهٔ عراق به مقصد بررسی راه های کمک رسانی به مردم و حکومت عراق و تأمین امنیت درجریان انتخابات در شرم الشیخ مصر برگزار گردید که در پایان این نشست اعلامیه یی مبنی برمهم بودن نقش ملل متحد در روند تشکیل حکومت قانونی وبازسازی آن کشور ومتعهد شدن کشورهای همسایه برای کمک رسانی در تأمین امنیت و نیازمندی های مردم صادر گردید.

همچنان روز سه شنبه سوم عقرب انجمن کشورهای حمایت کننده از عراق به شمول کشور های همسایه در شرم الشیخ دایر گردید در این نشست، هشت کشور بزرگ صنعتی وکشورهای همسایه عراق یکبار دیگر برتأمین امنیت وبودجهٔ انتخابات و اشتراک در پروسهٔ بازسازی تعهد سپردند.

نباید به سرنوشت آنانی ...

سپس نمایندهٔ یوناما، شارژ دافیر سفارت ایالات متحدهٔ امریکا، سفیر کانادا ومسؤولان خلع سلاح در پیرامون مسائل خلع سلاح وملکی سازی صحبت کرده، همکاری فرماندهان نظامی را در اجرای موفقانهٔ این برنامه خواستار شدند.

پس از آن استاد ربانی در مورد برنامهٔ خلع سلاح در نقاط مختلف افغانستان صحبت کردند و از همکاری فرماندهان مجاهدین در این پروسه تمجید نمودند.

استاد ضمن این که از همکاری فرماندهان نظامی در انجام این برنامه اطمینان دادند از مقامات دولتی ومسؤولان انجام این برنامه خواست تانسبت به سرنوشت آنهایی که به زندگی ملکی روی می آورند توجه بیشتر معطوف بدارند.

استاد فرمودند: نباید به سرنوشت آنانی بی توجه باشیم که همه هست وبودشان را برای آزادی وطن از دست داده اند. آنهایی که تحصیل علم، خانه وکاشانهٔ خود را به خاطر آزادی وطن شان ترک گفته و در این راه قربانی داده اند باید نسبت به زندگی آنان وسرنوشت آیندهٔ شان دلسوزانه برخورد نماییم. ما نمی توانیم نسبت به سرنوشت آنان بی تفاوت بمانیم.

جمعیت اسلامی افغانستان پس از پیروزی جهاد در سال ۱۳۷۱ و تشکیل دولت اسلامی بخش نظامی خود را ملغی وبه تشکیلات نظامی دولت واگذار کرده بود وپس از دوران مقاومت که ادارهٔ موقت به میان آمد این تشکیلات به وزارت دفاع ملی تعلق گرفت. با انهم جمعیت اسلامی افغانستان وشخص جناب استاد همیشه با ادارهٔ ملکی سازی (DDR) همکاری داشته اند.

دماشوم نړیواله ورځ
او زمور د ماشومانو ځوریدلي حالت

د اکتوبر په ۲۰ نیټه چې دعقرب دیرشمه نیټه کیږي په نړیواله سطحه د ماشوم ورځ ونمانځل شوه. زمور په هیواد کې هم دغه ورځ د خپرو غونډو او راډیو تلویزیون د خپرونو په ترڅ کې ونمانځل شوه خو اصلي خبره داده چې زمور په هیواد کې چې نوي لـه اوږدي او رنځوونکي جګړي خخه خلاص شوي باید د ماشوم ورځ بواخي د پرنسیپ له مخي ونـه لمانځل شـي بلکـې زمـور بچیان چـې د بهرنـي او کورنـي جګـړي پـه دود او اورونو کې رالوي شوي زیاته پاملرنه او توجه غواړي.

نن مور وینو چې په سلوکی لـه پنځوسو خخه زیات هغه ماشومان چې سن نې د مکتب د شمول لپاره برابر دي یا بیکاره په کلیو او کوڅو کې ګرځي او یا دا چې په شاقه کارونو بوخت دي او د خپلې کورني لپاره ډوډي برابروي او یا دا چې د ښار په واټونو کې په خیرات راټولولو بوخت دي او ددغـه راز ماشومانو د ژوند سمول او هغوی تـه د ښه ژوند د مناسب چاپېریال برابرول ددولت کار او مسؤولیت دي. د بده مرغه چې په دي برخه کې هیڅ کار سرته نه دي رسیدلي او که بیا هم کوم اقدام شوي وي هغه بواخي سمبولیکه بڼـه لـري او د خلکو د قناعت ور نه دي.



نن زمور خبکر ګوښه بچیان تر زیاتو خطرونو لاندي دي کـه لـه یـوي خـوا د بیسوادي او خوار خواکی په رنځ اخته دي نو له بلي خوا مور وینو چې په دي وروستیو وختـو کـي د یـو شـمیر جنایتکارانو لـه خـوا تښتول کیږي، د بدن غړي نې پلورل کیږي، د مخدره موادو په قاچاق کې تري کار اخیستل کیږي، تر جنسي تیري لاندي راځي او لکه د مځنیو پیریو پـه خیر د غلامانو په توګه پلورل کیږي چې ددغو ټولو جنایتونو او تیریو مسؤولیت دافغانستان د امنیتي قضائي خواکونو پر غاړه دي.

د ماشومانو پلار- مور حق لري چې لـه اوسني نظام خخه د خپلو بچیانو د مصونیت غوښتنه وکړي. والدین حق لري لـه حکومت خخه د خپلو بچیانو د سمي روزنې، تفریح او خونـدي چاپیریـال د تـامین هیلـه وکـړي او حکومت هم باید د ماشومانو د والدینو دغه راز جایزو غوښتنو ته مثبت خواب ورکړي.

حکومت وظیفه لري ماشوم ته ددغه هیواد د سـبا ورځـې د پـلار، ددي خـاوري د وارث او ددي هیواد د بشري خـواک پـه توګـه درنـاوي ولري. کـه خـه هـم زمـور اوسـني نظام چـې لا د خپل جوړښت پـه نطفـه کـې دي اونشـي کـولاي چـې د نـوري متمـدني نـړۍ پـه خـیر افغـان ماشوم تـه د ژونـد ټـول لازم امکانات برابر کړي خـو لـه دغـو ټولـو سـتونزو سـره بیـا هـم پـه لومـړي سـر کـې زمـور هیلـه داده چـې د ماشومانو د روزنـې او پـالنې لپـاره لومـړي د امـن فضا حاکمه شي، داسي فضا چې لـه دي وروسته والـدین خپـل بچیـان پـه داد سـره ښوونخیـو تـه واستوي او پـه داد سـره پـه تفـریح خایونو کې لوبي او ساعت تیري وکړي شي.

زمـور هلتـه داده چـې زمـور امنیتـي او قضـایي ارګانونـه د ماشـوم د خونـدیتوب لپـاره خپـل ټـول وس او امکانات پـه کـار واچـوي ګـداثي کر لـه بـازارونو خخـه راټـول کـړي. نـي ورلـو تـه د پـالني او روزنـې موسسات جـوړ کـړي. د خوارخواکـو لپـاره لازم خـواره برابـر کـړي او د ماشوم قاچاقبرانو تـه سخته جـزا ورکـړي تـر خـو خلـک داد پیدا کـړي چـې حکومـت د ماشـوم پـه وړاندي خپل مسؤولیت درک کړي دي

عملکرد دولت درمبارزه ...

وزارتی در تشکیلات آیندهٔ دولت به میان آید.

افزایش کشت کوکنار در افغانستان باعث نگرانی جامعهٔ جهانی نیز گردیده است. دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل با انتشار گزارشی روز پنجشنبه گذشته، با نگرانی از رشد ۶۴ در صد تولید مواد مخدر در افغانستان، خواستار توجه جدی دولت وجامعهٔ جهانی برای مبارزه با این پدیدهٔ شوم گردیده است.

این دفتر ملل متحد می گوید که در سال جاری، افغانستان ۸۷ در صد کل تریاک جهان را تولید کرده است. برمبنای این گزارش ۲،۵ میلیون نفر در ۱۳۱ هزار هکتار زمین ۴۲۰۰ تن تریاک را درسال جاری تولید کرده است. در این گزارش گفته شده است که درآمد دومیلیارد وهشتصد میلیون دلاری که از مدرک مواد مخدر به دست می آید به حساب باندهای مواد مخدر وتروریست ها سرازیر می گردد.

همزمان با اقدامات دولت افغانستان، انگلستان برای عملی شدن یک برنامهٔ دوساله به خاطر نابودی کشتزارهای کوکنار هفت میلیون دلار را به دولت افغانستان مساعدت می نماید.

امریکا طرح جدیدی را در مبارزه علیه تولید مواد مخدر پیشکش کرده اند. براساس این طرح قرار است درسال مالی آینده ۷۸۰ میلیون دلار بودجهٔ اضافی برای تأمین یک رشته تدابیر تازه از جملـه نابودی مزارع تریاک وایجاد راه های جایگزین امرار معاش برای دهقانان تخصیص داده شود.

وزیر خارجهٔ امریکا کشت تریاک را مهم ترین نگرانی برای افغانستان توصیف کرد. و اظهار داشت که ابتکار عمل بین المللی تاکنون در جلوگیری از رشد تجارت مواد مخدر شکست خورده است. اظهارات مقامات دولتی بیانگر آن است که دولت مصمم تر از گذشته، مبارزه با مواد مخدر را دنبال خواهد کرد. وزارت داخلهٔ افغانستان ضمن اعلام هشداری گفته است که از کارمندان ومقامات دولتی که گفته می شود در کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر سهیم اند، اگر از این گونه فعالیت ها دست برندارند به زودی نام آنها افشا خواهد شد. همچنان گفته شده است که در کنار افشای نام این افراد، گام هایی عملی برای محاکمهٔ آنها نیز برداشته خواهد شد.

شرح حال مولوی ...

درسال ۱۳۲۴شامل دارالعلوم عربی کابل شد و به سال ۱۳۲۸ از صنف دوازدهم آن مدرسه به درجهٔ اعلی فارغ گردید.

در سال ۱۳۲۸ به حیث مدرس واستاد در مدرسهٔ نجم المدارس ننگرهار مقرر گردید و ده سال به این وظیفهٔ مقدس ادامه داد ، در سال ۱۳۳۸ هـ ش به حیث سر مدرس این مدرسه تعیین شد و مدت سیزده سال ایفای وظیفه کرد.

همزمان با کودتای ۷ ثور در سال ۱۳۵۷ از وظیفه سبکدوش شد وتحت تعقیب رژیم کمونیستی قرار گرفت وبالآخره در سال ۱۳۵۸ با خانوادهٔ خود راه دیار هجرت را در پیش گرفت و به پشاور رفت و در آنجا به حیث مشاور علمی کادر رهبری جمعیت اسلامی به کار آغاز کرد. او در اوائل سال های هجرت با تفاهم مقام رهبری جمعیت اسلامی وهمکاری برادران جمعیت به تاسیس تقریباً چهل مدرسه و مکتب در اردوگاه های مختلف مهاجران دست یازید.

جناب مولوی صاحب مرحوم همیشه در اتحاد ووحدت مجاهدین افغانستان سعی می کرد و در امتداد همین خط اتحادیهٔ علمای مجاهدین را تشکیل داد که ریاست آن را خود به عهده داشت.

او در سال ۱۳۸۰ دوباره به وطن برگشت وبه حیث مشاور در ستره محکمه ایفای وظیفه می نمود، و اخیراً نسبت مریضی یی که عاید حالش گردیده بود در هژدهٔ ماه مبارک رمضان داعی اجل را لبیک گفت وبه جوار حق پیوست، روح شان شاد ویاد شان گرامی باد!

انا لله وانا الیه راجعون

ولسمشر او د پرګنو هیلې

زکوخیل

دوه نیمې لسیزې زموږ په ګران هېواد کې تپل شوې جګړه روانه وه، د کورنیو او بهرنیو سیاست پوهانو او د نظر له خاوندانو یې د بدید وا وهواړی لار ورکه وه او په دې فکر کې وو، چې څنګه به وکولی شي. په دې جګړې ځپلي هېواد کې سوله رامنځ ته کړي. او د دې سپېځلي هدف د تر لاسه کولو له پاره په ملي او نړیوال ډګر کې هڅې روانې وې، چې د نړیوالې ټولنې د پرله پسې او نه ستړې کېدونکو هڅو په پایله کې د بن غونډه جوړه شوه، بې خایه به نه وي، چې ووایو د بن غوونډه د اوسنیو حالاتو د بنسټ ډبره وه.

د بن له پرېکړو سره سم لنډ مهاله اداره د محترم کرزي په مشرۍ په داسې شپو ورځو کې جوړه او په کار پیل وکړ چې لوټې لوټې او کنډوالې هېواد ورته په میراث پاتې وو او هېوادوال په تپل شوې جګړه کې را ښکېل وو. لنډ مهالې ادارې، چې تصور یې نه شو کېدای په ګران هېواد کې د جګړې او سولې ترمنځ پوله رامنځ ته کړه او د نسبي امنیت له ټینګولو سره سم یې د ټولنیز ژوند د بیلابیلو اړخونو په بیارغونه پیل وکړ، موږ کولی شو د بېلګې په توګه د لنډ مهالې ادارې په لنډه موده کې له ښوونځیو او نیمګړتیاوو سره سره 3.5 میلونو زده کوونکو (نجونو او هلکانو) پر مخ د ښوونځیو د درازو پرانیستلو څخه یادونه وکړو او دا د وخت لویه معجزه ګڼل کېدای شي. همدارنګه د بن د پرېکړو په رڼا کې اضطراري لویه جرګه جوړه او محترم کرزی یې د افغانستان د اسلامي انتقالي دورې له پاره د دولت د رئیس په توګه وټاکه. په انتقالي دوره کې هم د محترم کرزي پر وړاندې ډېرې ستونزې او کړاوونه پراته و. خو د ښاغلي کرزي په لاربښوونه د ټولنیز ژوندن په بیلابیلو اړخون کې د پام وړ او ارزښتناک ګامونه پورته شول، چې موږ یې د ملي پوځ او ملي پولیسو د روزنې او DDR پروسه که د کمیت په لحاظ کم هم وي یا دولې شو.

د پام وړ خبره ده، چې د انتقالي دورې په موده کې هم د هېواد په ګوټ ګوټ د وطن خلکو او پرمختیا دښمنانو هڅې روانې وې، خو د ښاغلي کرزي د ارزښتناکو لاربښوونو په رڼا کې نسبي امنیت ټینګ او وساتل شو. د انتقالي دورې یوه بله لویه لاسته راوړنه د اساسي قانون تصویب و. اساسي یوه داسې هنداره ده، چې کېدای شي پکې هر څوک خپله څېره وګوري، خپل او د نورو حقوق وپېژني د دې ملي وثیقې په رڼا کې دمسؤولیت په احساس ګام پورته کړي.

په هر صورت د بن د پرېکړو، د هېواد د اساسي قانون او نولتاکنو د قوانینو په رڼا کې د ګران هېواد په څو زره کلن تاریخ کې لومړی ځل و، چې د ولسمشر د ټاکل کېدو له پاره د هېواد د اوسېدونکو پراخو پرګنو آزادې رایې وکاروول شوې او د رایو په غوڅ اکثریت بیا هم محترم کرزي د هېواد د ولسمشر په توګه انتخاب او وټاکل شو.

اوس نو د ښاغلي کرزي یوه بله نوې د ازموینې دوره پیل کېږي، موږ او ټول هېوادوال هیله لرو، چې محترم کرزي له دې ازموینې هم بریالی راووزي او د پراخو پرګنو هغه باور او اعتماد، چې پر ده یې کړیدی پر ځای کړي. هېوادوال سوله غواړي او سوله کېدای هغسې ملي مشارکت په پایله، چې د هېواد د پراخو پرګنو له هیلو او ملي ګټو سره سمون ولري، ټینګه شي، چې د سولې د ټینګېدو په نتیجه کې به ملي یووالي رامنځ ته شي، او د ملي یووالي په نتیجه کې به افغانان وکولی شي، چې د ټولنیز ژوند په بیلابیلو اړخونو کې د یوې کاري اداري له لاربښوونو او نوښتونو سره سم په ګران هېواد افغانستان کې د ابادۍ او بیارغونې کار پیل او د راتلوونکو پنځو کالو په موده کې د ګران هېواد د بیا ابادېدو او بیارغونې په ډګر کې د پام وړ او ارزښتناک کارونه تر سره شي او د ملي اقتصاد بنیاد او پایې پرې غنې او ټینګې شي.

عرفات- شاخهٔ زیتونی ...

در شرایطی که هر کشور عربی بر سرآرمان فلسطین در سر هرمیز مذاکره یی حاضر به معامله می شدند، عرفات تصمیم گرفت تا با اسرائیلی ها داخل مذاکره شود. او شعار ریختن اسرائیلی ها به بحر را از سر بیرون کرد چون می دانست آنانی که این شعار ها را سر می دهند در عمل حاضر به هیچ کاری نیستند.

با گذشت زمان عرفات همرزمان خویش را یکایک از دست داد. کمال ناصر و جمعی از رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین در جریان یک حملهٔ کماندو های اسرائیلی در تونس شهید شدند. ابوجهاد، ابوایاد و دیگران هر کدام به شکلی یا مستقیما کشته شدند و یا به شکلی مرموز چشم از جهان فرو بستند و کم کم عرفات احساس کرد که اطرافش در حال خالی شدن است.

فلسطینی ها با راه اندازی انتفاضه عرصه را بر اسرائیل تنگ کردند. اسرائیل تحت رهبری شارون به وحشیانه ترین شکلی به سرکوب فلسطینی ها و ویران کردن بنیاد های دولت نوپای فلسطین پرداخت: در چنین شرایطی بود که دسایس اوج گرفت. عرفات تحت فشار قرار داده شد تا بخشی از صلاحیت های خویش را به دیگر رهبران فلسطینی واگذار نماید. رهبرانی که در جریان کار در دولت فلسطین، به سوء استفاده های مالی متهم شدند و ادعا می شد که بسیاری از آنان در بانک های خارج مبالغ هنگفتی پول ذخیره کرده اند.

عرفات در برابر این توطئه مقاومت کرد. او ترجیح داد تا در خانهٔ خویش در رام الله تحت نظارت اسرائیلی ها باشد ولی تسلیم خواست های دشمنان ملتش نگردد. شاخهٔ زیتون، دیگر خشکیده بود ولی عرفات می خواست آن را همچنان به عنوان نمادی از صلح نگهدارد.

پس از واقعهٔ یازدهم سپتامبر، که جنگ علیه تروریسم اعلام گردید، جهان غرب در برابر مظالمی که اسرائیل بر فلسطینی ها روا داشت، نظاره گر خاموش باقی ماند و این دوره را در تاریخ فلسطین می توان از دوره های بسیار خونین دانست که در آن وحشیانه ترین مظالم بر فلسطینی ها روا داشته شد.

عرفات در خانهٔ خود در رام الله که تحت نظارت اسرائیلی ها قرار داشت ناگهان بیمار شد... عجیب این است که طبیب معالج فلسطینی وی که دو هفته قبل از عرفات عیادت کرده بود، این بار اجازه نیافت تا بر بالین وی حاضر شود واین خود شک برانگیز بود. او گفت دو هفته قبل که از عرفات عیادت کرد، اثری از بیماری خون در وی به مشاهده نمی رسید. سرطان خون که ادعا شد عرفات به آن مصاب شده است، بیماری یی نیست که ناگهان به وجود آید و در مدت دوهفته به حدی پیشرفت نماید که انسان را بکشد. در حالی که مشهور است که بیماری سرطان به خاطر رژیم خاص غدایی، در میان فلسطینی ها بسیار کم است.

جمعی از دکتران از کشور های مختلف عربی بر بالین وی حضور یافتند اما هیچ کس به درستی نمی دانست که چه بر سر این رهبر هفتاد وپنج سالهٔ فلسطینی ها آمده است. همه از احتمال سرطان خون سخن می گفتند. سرانجام عرفات با اجازهٔ اسرائیل به پاریس منتقل شد و در یک شفاخانهٔ نظامی تحت معالجه قرار گرفت.

خالد مشعل یکی از رهبران سازمان اسلامی حماس در سوریه اعلام داشت که عرفات به وسیلهٔ سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) مسموم شده است و این سخن را بسام ابوشریف یکی از مشاوران یاسر عرفات پس از مرگ وی با تفصیل بیشتری بیان داشت. ابوشریف گفت که من مدتها قبل نامه یی به عرفات نوشتم و خطر مسموم شدن وی به دست اسرائیلی ها را به او گوشزد نمودم. من به وی گفته بودم که باید در مصرف غذا، جانب احتیاط را رعایت نماید و فقط غذایی را که اشخاص مورد اعتماد برایش تهیه می کنند مصرف نماید.

وی گفت بیماریی که یاسرعرفات به آن مصاب شد کاملا شبیه به حالتی بود که ودیع حداد یکی از رهبران دیگر فلسطینی چندین سال قبل به آن مبتلا گردید و سپس غرض تداوی به آلمان شرقی منتقل شد.

ودیع حداد چند روز بعد در شفاخانه جان سپرد و دلیل مرگ وی نیز افشا نگردید. او نیز به صورت ناگهانی و درست شبیه به یاسر عرفات دچار عارضه یی ناشی از یک بیماری خونی گردید. اختلال در گلبول های سرخ خون موجب گردید که رنگ پوست وی متمایل به سرخی گردد و بعد به حالت بیهوشی و اغما فرو رفت و در همان حالت جان سپرد.

در گزارش مرگ ودیع حداد در شفاخانه، مسالهٔ مسمومیت وی تذکر داده شده بود اما در گزارشی که به مقامات فلسطینی داده شد، آن بخش را حذف نموده بودند. انتظار نمی رود که گزارش دقیق از چگونگی مرگ عرفات نیز منتشر گردد.

زمانی که عرفات دچار بیماری شد، تقریباً تمام رهبری فلسطینی می دانستند که وی خواهد مرد. همسر عرفات- که مسیحی است- در اعتراض به سخنان دیگر رهبران فلسطینی گفت که اینها می خواهند تا عرفات را زنده به خاک بسپارند. این مساله نشان می داد که همه از این که عرفات از این حالت جان سالم به در نخواهد برد، مطمئن بودند.

عرفات چون شاخه یی خشکیدهٔ زیتون برزمین افتاد و جان سپرد. جهان رهبر بزرگی را از دست داد هرچند که او در جریان جهاد افغانستان، از دولت دست نشاندهٔ روس ها در کابل حمایت کرد و حتی سفارت فلسطین در کابل را نیز افتتاح نمود اما قطع نظر از همهٔ این مسائل، مردم افغانستان از مرگ این مرد متأثرند.

عرفات در راه آرمان ملت فلسطین شهید شد و اسرائیل با کشتن او یک مانع بزرگ را از سر راه اهداف خویش برداشت اما آیا جریان وضع، همان گونه که اسرائیل گمان دارد به پیش خواهد رفت؟ آیا رهبری جدید توان متحد ساختن گرایش های مختلف در صف فلسطینی ها را خواهد داشت؟

قرار بر این است تا انتخابات در فلسطین برای تعیین یک رهبر جدید در ماه جنوری سال آیندهٔ میلادی برگزار گردد. کولن پاول وزیر خارجهٔ امریکا اکنون در حال سفر به اسرائیل و فلسطین است تا با مقامات دو طرف در مورد مسائل مربوط به این انتخابات مذاکره نماید. سخن روی شخصیت های مناسب برای این مقام است. عرفات از جهان رفته و امریکا و اسرائیل به این باور اند که زمینه برای صلح دلخواه فراهم است. آیا واقعاً چنین است؟

دورهٔ کشدار انتقال ...

الف - منظور از آن حکومت موقت وستره محکهٔ موقت است ؟

ب یا حکومت وستره محکمه یی که پس از تاسیس شورا ، تشکیل می گردند؟

هرگاه (الف) درست باشد ، پس همان طوری که ضرورت تشکیل ستره محکمهٔ موقت بیان گردیده است به همان صورت باید از تشکیل حکومت موقت نیز سخنی به میان می امد که نیامده است !

وهرگاه (ب) درست باشد ، پس به تشکیل حکومت جدید شش ماهه نه تنها نیازی وجود ندارد که اصولا مخالف این حکم قانون اساسی نیز خواهد بود ! واحتمال دارد که منظور از ان تشکیلات ارگان های مذکور باشد.

۷ـ یکی از تبعات بسیار منفی به تاخیر افگندن انتخابات پارلمانی ، طولانی شدن دورهٔ انتقال است که ناگزیریم چیزهایی عجیب در این دوره داشته باشیم :

الف ـ رئیس جمهور دورهٔ انتقال یا رئیس جمهور دولت انتقالی !

ب ـ حکومت موقت شش ماهه به اساس فرمان رئیس جمهور وبدون تأیید ولسی جرگه!

ج ـ ستره محکمهٔ موقت به اساس فرمان رئیس جمهور وبدون تایید ولسی جرگه!

د ـ ادامهٔ صدور فرامین تقنینی .

۸ ـ با تشکیل حکومت جدید ـ در ادامهٔ دورهٔ انتقال ـ وبا در نظر داشت این که در نظام ریاستی ، رئیس جمهور رئیس حکومت نیز می باشد ، ما دارای دو نهاد متفاوت از منظر داشتن مشروعیت قانونی خواهیم بود:

الف- رئیس جمهور منتخب که با رأی مردم مشروعیت قانونی را به دست اورده است .

ب- حکومت و ستره محکمهٔ جدید که طبق حکم فقره های ۱۱ و ۱۲ مادهٔ ۶۴ قانون اساسی بایست تأیید ولسی جرگه را داشته باشند که به دلیل ادامهٔ دورهٔ انتقال ـ نمی توانند داشته باشند وبنای مشروعیت این دو ارکان مانند گذشته ، روشن نمی باشد .

به هر صورت ناگزیریم تا ادامهٔ دورهٔ انتقال را تحمل وحکومت جدید را هرچند بدون تایید یک مرجع قانونی بپذیریم وامیدواریم که انتخابات پارلمانی در بهار اینده برگزار گردد تا شاهد ادامهٔ پر ملال دورهٔ انتقال وادامهٔ کار حکومت بدون تایید ولسی جرگه نباشیم .

اسلام و استبداد سیاسی

نویسنده: دکتر وهبه الزحیلی
برگرداننده: سیدناصر تقدسی

اسلام با توجه به اهمیتی که به اصل شورا در نظام حکومت قائل است، با استبداد سیاسی و فرمان روایی فردی ودیکتاتوری سازگاری ندارد. و به هیچ کس به هر پیمانه یی که از نضج فکری رسیده باشد، اجازه نمی دهد که آرا و اندیشه های ویژۀ خود را بدون تأیید شورا برجامعه بقبولاند و تحمیل کند؛ چه شورا هرکاری را در هر بعدی به سوی خیر و مصلحت جامعه و مردم استقامت می دهد، و این، تنها میدانی است که آرا و اندیشه های خوب، در آن تبلور می یابد و به کرسی می نشیند.

تاریخ ثابت کرده است که فرمان روایان مستبد به گونه یی فضاحت بار سقوط کرده اند، بساط دولت اکاسره در سرزمین فارس، از قیاصره در روم و از فراعنه در مصر برچیده شد، و در روزگار ما نیز، در نتیجۀ استبداد وتک محوری، بنیان حکومت های فاشیزم المان وایتالیا فرو ریخت، هتلر وموسولینی به قتل رسیدند.

همچنان زعمای کمونیستی سقوط کردند ونظام کمونیسم در اتحام جماهیر شوروی به سال ۱۹۹۱ فروپاشید و چاو چیسکو به شکلی ذلت بار در رومانی از قدرت افتاد و جمال عبدالناصر وانورالسادات در مصر و ادیب الشیشکلی در سوریه نیز سقوط کردند، در حالی که زعمای نامبرده از توان مند ترین افراد در روزگار معاصر شمرده می شدند.

و به همین ترتیب در گذشته ها بسیاری از سلاطین دولت اموی وعباسی وعثمانی به خاطر استبداد وخود خواهی شان از قدرت کنار زده شدند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با آن که از لحاظ عقل و اندیشه برترین وکامل ترین انسان ها بود وهمواره بر او وحی فرود می آمد ومسلمانان وظیفه داشتند که در حالت سختی و آسانی از وی پیروی نمایند، اما با آنهم توجه به مشوره ورأی زنی در امور دنیا و سیاست جنگ وصلح در سرخط برنامه های کاری اش قرار داشت، واین همه اهتمام به اصل مشوره از یک طرف برای آن بود تا به امت وپیروان خود بفهماند که درزندگی چگونه عمل کنند، و به آنها ثابت بسازد که وجود آنان مهمل نیست ونظریات شان نزد پیغمبر ارزش دارد و او صلی الله علیه وسلم از تجربه و کاردانی ایشان بهره می گیرد. و از جانب دیگر برای حکام و فرمان روایان مسلمان که بعد از رسول خدا زمام امور را به دست می گیرند، سنت لزوم استشاره را ایجاد کند و آنان حقوق و آرای رعیت را نادیده نینگارند و از تک روی های ناموجه بپرهیزند. حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: «من هیچ مردی را ندیدم که بیشتر از پیامبر با مردم مشوره نماید!!» ولیکن در مسائلی که وحی نازل می شد، مشوره در آن نقشی نداشت؛ چون در برابر فرمان قطعی خدا بنده باید تعلل نورزد.

شیخ محمد غزالی مصری می گوید: مسلمانان بر بنیاد آموزه های دینی خود، بدین باورند که طغیان وتک روی یک فرد، درمیان امت، جرمی است نابخشودنی، و فرمان روا به هیچ صورت بقا ومشروعیت خود را تا زمانی که زبان گویای ملت نباشد و در مسیر منافع علیای مردم حرکت نکند، توجیه کرده نمی تواند.

از همین رو، در انتخاب فرمان روا و در نظات از کارکرد وی در چهارچوب نظام اسلامی، تنها امت مصدر قدرت است، و تمثیل ارادۀ امت توسط حاکم، فرض محسوب می شود و نادیده انگاشتن آرا و ارادۀ آن تمرد!!.

در اسلام آیا امت مصدر قواست؟

مسلما قوا، در منطق دولت های معاصر سه تا است: قوۀ مقننه، قوۀ اجرائیه و قوۀ قضائیه. هرگاه اصول کلی و احکام ثابت شریعت اسلامی را از احکام جزئی مربوط به دولت و جامعه مستثنا قرار دهیم، می بینیم که نظام و مقررات اداری وقوانینی که روابط شهروندان را در عرصه های بازرگانی، صنعت، زراعت، وظیفه و اداره ومانند آن مثل حقوق کارگران، ماموران وتأمین نیازمندی های آنها و ایجاد جاده ها و راه ها وبرنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و... تنظیم می نماید. باید از طرف مجلس نمایندگان (قوه مقننه) تدوین وتصویب شود.

دموکراسی نوین، حاکم وفرمان روا را تابع رأی اکثریت می داند، ولی با توجه به اصل تفکیک نسبی قوا از دخالت قوۀ مقننه در امور قوۀ اجرائیه جلوگیری می کند.

> **وهمچنان که در نظام های دموکراتیک امت یا ملت مصدر قوا دانسته شده است در نظام حکومتی اسلام نیز ملت وامت مصدر قوا تلقی می گردد، یعنی از لحاظ اسلام ملت حق دارد که زعیم و رهبر خود را خود برگزیند، شکل و نوع نظام را مشخص بسازد و به همین ترتیب حق دارد در تعیین وتقرر مجریان امور و کارگردانان حکومت مستقیماً سهم بگیرد ونظر بدهد**

وهمچنان که در نظام های دموکراتیک امت یا ملت مصدر قوا دانسته شده است در نظام حکومتی اسلام نیز ملت وامت مصدر قوا تلقی می گردد، یعنی از لحاظ اسلام ملت حق دارد که زعیم و رهبر خود را خود برگزیند، شکل و نوع نظام را مشخص بسازد و به همین ترتیب حق دارد در تعیین وتقرر مجریان امور و کارگردانان حکومت مستقیماً سهم بگیرد ونظر بدهد.

وهرچیزی که از سوی حاکم وقوای سه گانۀ دولت صادر می شود، رویکرد اول آن باید ارادۀ مردم(امت) باشد. وهمگان بایستی اعم از فرمان روا وفرمان بر، به نظام شریعت پای بند باشند، وقوۀ مقننه باید محتاط و متوجه باشد که مصوبه ها وقوانین آن با احکام شریعت اسلامی در تصادم وتعارض قرار نگیرد.

گفتنی است که در بین دموکراسی غربی و دموکراسی اسلامی سه فرق عمده وجود دارد که عبارت است از:

اول:- دموکراسی غربی از اندیشه های قومی و نژادی ناشی شده است و آن را انگیزه های عصبیت سمت و سو می دهد. اما دموکراسی اسلامی تیوری انسانی را با خود دارد و از دیدگاهی جهانی بهره مند است.

دوم:- اهداف دموکراسی غربی معاصر، تنها اغراض دنیایی ومادی است اما اهداف دموکراسی در اسلام، هم اغراض دنیایی دارد و هم اخروی. و در نهایت خوشبختی انسان در آخرت، رضای الهی، تطبیق احکام دین وشیوع مکارم اخلاقی مقیاس کارکرد دولت پنداشته می شود.

سوم:- سلطۀ امت(ملت) در دموکراسی غربی مطلقه است، وحاکمیت. بدون قید وشرط - ظاهراً - از آن ملت است. اما در اسلام سلطۀ امت مطلقه نیست، بلکه مقید به شریعت و دین خداست.

و از این که امت(ملت) مصدر قواست، فرمان روای آن زیر سلطۀ امت باید باشد و در برابر مردم پاسخ بدهد. نه آن که ملت زیر سلطۀ حاکم قرار بگیرد _ چنان که امروز در اکثر کشورهای مسلمان نشین مشهود است - وامت به تمام معنی از آزادی سیاسی بایستی بهره مند باشد، از همین رو است که اسلام برای ملت آزادی سیاسی را به عنوان حقی طبیعی عطا کرده است، و فرماندار هیچ گونه منتی از این رهگذر نمی تواند برملت بگذارد؛ چه امت(ملت) این حق را از فرماندار به دست نیاورده است بلکه آن را از آن جا فراچنگ کرده است که خود در حکومت، مصدر سلطه وقواست.

بناء مبتنی برهمین دلیل - که امت مصدر قواست - حکومت اسلامی در عصر پیامبر وپس از آن در عهد خلفای راشدین تشکیل شد و به ثمر نشست و درست همین دو حکومت، حکومت هایی واقعی در تاریخ گذشتۀ اسلام محسوب می شوند. برخلاف حکوماتی که بعد از این دو دورۀ طلایی به میان آمدند؛ از حکومت های بنی امیه گرفته تا عباسی ها، عثمانی ها و... چه این حکومت ها، حکومت هایی اسلامی نبودند و ملت در این حکومت ها نه تنها مصدر قدرت نبوده که کمترین نقشی هم نداشته است، فرمان روایان مستبد وخودکامه، هرکاره وفاعل مختار این حکومت ها بوده اند و زمام تمام قوا به دست شان قرار داشته است، و مردم در سایۀ این نظام ها هیچ گونه آزادی سیاسی نداشته اند.

پابندی به قوانین وتحکیم قانونیت یکی از شاخصه های مهم دولت های دموکراتیک به شمار است، و به همین منوال در اسلام نیز فرمان روا باید به شریعت اسلامی پای بند باشد، وشریعت دستور اساسی دولت اسلامی است، اسلام هیچ گاه سرپیچی از قانون، تضعیف قانونیت وپاگرفتن حکومت دیکتاتوری واستبدادی را نمی پذیرد، وچنین حکومت هایی با اسلام سرسازگاری ندارند، و وجود دولت اسلامی مبتنی برحق، عدالت، مشروعیت، مساوات و آزادی را نفی می نمایند.

گروگان های خارجی ...

وعدۀ رهایی زندانیان انجام نیافته است وهیچ معامله یی با ربایندگان صورت نگرفته است.

ربوده شدگان آنتاملانگین از ایرلند شمالی، شکیب جبیبی اهل کوزوو وانجلیتا شهروند فلیپین می باشند که در ۲۸ اکتوبر توسط مردان مسلح از منطقۀ کارتۀ پروان شهر کابل ربوده شده اند.

بعداً گروهی به نام جیش المسلمین ادعا کرد که این افراد را ربوده است. به نقل از یکی از سخنوران این گروه که گفته است گروگانان در بدل رهایی اسرای طالبان آزاد گردیده اند.

در حال برخی از مقامات دولتی مداخلۀ طالبان در گروگان گیری وانگیزۀ سیاسی این اقدام را رد کرده است.

حکومت آینده و توقعات ...

و در مقرری های مسؤولان ضوابط را بر روابط ترجیح دهد.

احمد الله مسعود دانشجوی دانشکدۀ شرعیات

در دوره های موقت وانتقالی روابط و مصلحت اندیشی بر ضوابط می چربید و این کار باعث گردید تا هیچ نوع پیشرفتی صورت نگیرد وهرکه به فکر جیب خودش باشد تا به منافع کشور.

من از اقای کرزی می خواهم تا کابینۀ جدید را به اساس تخصص و شایستگی تشکیل دهد. و متخصصان داخلی در دولت باید نقش اساسی داشته باشند. همچنان رئیس جمهور باید از احکام قانون اساسی پیروی نماید و درگماشتن افراد در پست های بلند دولتی بر اصل ضوابط توجه جدی نماید.

ثناء الله دانشجوی دانشکدۀ ساینس

به نظر من دولت آینده باید در برگیرندۀ تمام ملیت ها باشد، نه دولت یک ملیتی، تا همه در حکومت آینده خود را سهیم بدانند.

همچنان دولت آینده باید از همه بیشتر در عرصه های تعلیم و تربیه، تحصیلات عالی و فرهنگ اسلامی توجه نماید و در زدودن فرهنگ های وارداتی مساعی به خرچ دهد.

نوراحمد نوید دانشجوی دانشگاه علوم طبی کابل

در تشکیل دولت آینده باید متخصصان و مجاهدان جایگاه نخست را داشته باشند. و دولت همچنان در عرصه های خدمات اجتماعی و فرهنگی برای جوانان گام هایی ارزشمند بردارد. دولت آینده باید به وضع دهاقین توجه جدی نماید تا باشد که دهاقین ما به جای کشت خشخاش به کشت مواد مورد ضرورت مردم ، روی آورند.

شکر الله دانشجوی دانشگاه علوم طبی

من از دولت می خواهم تا در فراهم سازی زمینۀ تحصیل وسهولت های لازم برای دانشجویان اقدام عملی نماید. و در تشکیل دولت آینده باید کسانی جای بگیرند که واقعاً درد ملت خود را خوب تر از دیگران احساس کرده اند و در سخت ترین شرایط در داخل کشور بودند.

محمد اکبر دانشجوی دانشکدۀ ژورنالیزم

دولت آینده به خاطر جلوگیری از تشنج، باید در پهلوی رعایت اصل تخصص و شایستگی شخصیت های ملی وسیاسی کشور را نیز در نظر داشته باشد چون دولت آینده بدون حضور این شخصیت ها به ناهنجاری ها مواجه خواهد شد.

از گذشته ها معلوم است که هیچ حکومتی به صورت درست به تحصیلات عالی توجه نکرده و این یک خلای بزرگ در حکومت محسوب می شود بناء اگر حکومت جدید به معارف وتحصیلات عالی که اساس یک جامعۀ متمدن است، توجه ننماید نباید به آیندۀ درخشان کشور امیدوار بود.

به این اساس خواست تمام دانشجویان از حکومت آیندۀ شان توجه به امنیت، غذا و فضای آرام تحصیلی برای دانشجویان می باشد که باید این توقع دانشجویان بر آورده شود.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۳۲ | چهارشنبه ۴ قوس ۱۳۸۳ | ۱۲ شوال المکرم ۱۴۲۵ - | 24 November 2004

عرفات- شاخهٔ زیتونی که خشکید!

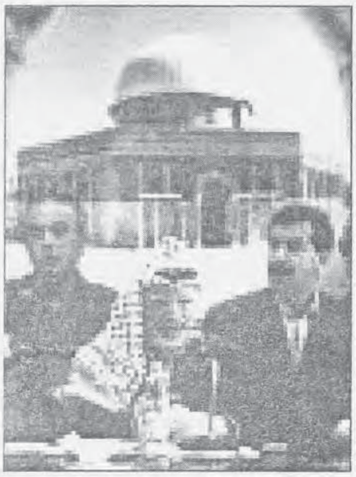
••• وحید مژده

...آن روز مجمع عمومی سازمان ملل متحد شاهد یک جریان تاریخی بود؛ مردی که در یک دست تفنگ و در دستی دیگر شاخهٔ زیتونی حمل می کرد، داخل سالن شد و با صدای کف زدن های ممتد حاضران بدرقه گردید. او عقب تریبون رفت و با صدای بلند، این سخنان تاریخی را برزبان آورد:

من در دستی تفنگ و در دستی دیگر یک شاخهٔ زیتون دارم. نگذارید تا شاخهٔ زیتون از دستم بر زمین افتد...

او یاسر عرفات بود که شاخهٔ زیتون را به عنوان علامت صلح بر تفنگ ترجیح می داد اما دشمن راه صلح را از وی دریغ داشت و او مجبور شد تا هردو- هم تفنگ و هم شاخهٔ زیتون را تا سال های بعد و دم مرگ در دست نگهدارد.

عرفات فلسطینی یی بود که در مصر به دنیا آمد اما خودش به مخفی ساختن این حقیقت تعمد داشت. هرچند که لهجهٔ مصری وی به



وضوح شاهد این حقیقت بود. او زمانی به نهضت اخوان پیوست، اما با سرکوب اخوان به وسیلهٔ ناصر، به کویت رفت و در آنجا سازمان فتح را اساس نهاد. سرانجام وی به رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین برگزیده شد و تا دم مرگ تقریباً دو هفته قبل، رهبر بلامنازع این سازمان بود.

عرفات را می توان یک شخصیت خودساخته خواند. او شخصی با پشتکار و سخت کوش بود. عرفات در هیچ مقطعی از حیات سیاسی خویش، حاضر به معامله بر سر آرمان مردم خود نگردید. او مزدور هیچ کس نشد و به همین علت هم کشور های عربی یی که می خواستند از ملت فلسطین به عنوان وسیله یی برای دسترسی به اهداف خاص یا گرفتن امتیاز سود جویند، از عرفات دل خوشی نداشتند. از حافظ الاسد گرفته تا ملک حسین و دیگران...

مشکل عرفات این بود که رهبر ملتی بی سرزمین بود و این ملت آواره را نه تنها اسرائیلی ها در صبرا و شتیلا قتل عام کردند بلکه در اردن نیز سرکوب شدند. واقعه یی که به سپتامبر سیاه معروف شد.

ص۶

پل ابریشم، افغانستان را به خلیج فارس وصل می نماید

پل ابریشم که افغانستان وایران را در مرز ولایت نیمروز باهم پیوند می دهد، روز اول قوس رسماً گشایش یافت. این پل به طول سه صد وبیست متر به مصرف سه میلیون دلار مساعدت بلاعوض جمهوری اسلامی ایران برفراز دریای هلمند اعمار گردیده است که منطقهٔ سرحدی میلک ایران را با شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز وصل می نماید. با گشایش این پل اموال تجارتی از بندر چابهار ایران از طریق زرنج وارد افغانستان می گردد.

همچنان در همین روز جادهٔ مواصلاتی پل ابریشم و پروژهٔ برق رسانی شهر زرنج نیز گشایش یافت. اعمار این جاده به طول چهار کیلو متر به مصرف یک و نیم میلیون دلار و پروژهٔ برق زرنج که قرار است چهار هزار خانواده از آن مستفید گردند از مساعدت های جمهوری اسلامی ایران تمویل گردیده است. بزرگراه جادهٔ ابریشم که از بندر چابهار به نیمروز و از نیمروز به دل آرام وهرات وسپس به کشورهای آسیای میانه امتداد می یابد نقش بزرگی در انتقال اموال تجارتی خواهد داشت.

این پل که در مسیر قبلی راه تاریخی ابریشم بالای دریای هلمند اعمار گردیده در آینده یکی از راه های عمده و پر ارزش انتقالاتی در منطقه خواهد بود.

این پل افغانستان را از طریق بندر چابهار به خلیج فارس وصل می نماید.

اعمار جادهٔ دوغارون در مرز ایران با هرات و جادهٔ هرات میمنه و راه آهن خواف سنگان ایران به هرات از جمله پروژه هایی می باشند که به مساعدت جمهوری اسلامی ایران در حال اجرا می باشد.

فیصل عبدالله

حکومت آینده و توقعات دانشجویان

پس از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، امیدواری هایی درمیان اقشار مختلف جامعه جوانه زده است.

توقعات مردم از دولت آینده گونه گون است. برخی ها گمان می برند که شاید دولت آینده بتواند اصلاحات را در همه عرصه ها به میان آورد. ولی عده یی دیگر به این اصل بی باور هستند و می گویند اگر در دولت آینده بازهم روابط بر ضوابط حاکم باشد تجربهٔ قبلی تکرار خواهد شد.

در این میان شماری دیگر نیز وجود دارند که با بی علاقگی به این موضوع برخورد می نمایند و می گویند که در افغانستان هیچ کسی خدمت نخواهد کرد.

گزارشگر مجاهد از توقعات برخی دانشجویان دانشگاه کابل در مورد حکومت آینده پرسیده است که از نظر می گذرد.

عزت الله طارق دانشجوی دانشکدهٔ شرعیات

به نظر من کابینهٔ دولت آینده را بایست پارلمان تعیین می نمود ولی تاکنون پارلمانی وجود ندارد توقع ما از رئیس منتخب جمهوری اسلامی این است که به اساس احکام قانون اساسی کابینهٔ آیندهٔ خویش را بسازد، و کار را به اهل آن بسپارد

ص۷



عزت الله طارق



احمد الله مسعود



ثناء الله



نور احمد



شکر الله

طالبان د مخالفتونو په رنځ اخته شوي دي

یوي امریکائي معتبري ورځپاني واشنگتن پست د طالبانو د بي اتفاقي او مخالفتونو په باب یو مطلب خپور کړي چي ځني غټ ټکي ني وړاندي کوو.

ورځپانه په پیل کي لیکي: د طالبانو غورځنګ هغه مهال له سخت روحي او پوځي رنځ او کړاو سره مخامخ شو چي یوه میاشت دمخه ئي ونه کړای شول چي د جمهوري ریاست انتخابات لکه څنګه چي دوي دعوه کړي وه کډوډ کړي.

که څه هم ورځپانه دغه ډله یو فوق العاده نظامي خطر ګني او د بهرنیو او افغاني کارپوهانو له خولي لیکي د طالبانو یوه ډله د القاعده په څیر په ډیر جرات په ترهګرۍ کي لاس لري خو د پښو ماهران واني سره له دي هم دوي د سیاسي او داخلي مخالفتونو په رنځ اخته شوي دي. دوي اوس د پاکستان او افغانستان په سرحدي سیمو کي د نوو بریدونو په نتیجه کي له زیاتو ستونزو سره مخامخ شوي دي.

قابل توجه شعرای محترم دوران جهاد ومقاومت

مدتی است با درک رسالت اسلامی وملی ، و باوجود نارسایی هایی که صاحب این قلم برخود می بیند، تحقیقات وپژوهش هایی را در پیرامون آفریده ها وآثار شعرای دوران جهاد ومقاومت مردم افغانستان ، روی دست گرفته است .

تاکنون به عنایت وهمکاری شماری از دوستان ، نمونه های اشعار بیشتر از صد تن از سخنوران شامل کلیات ومجموعه های شعری به زبانهای دری ـ فارسی ، پشتو ، ازبیکی و .... به دسترس قرار گرفته است که بدین وسیله از لطف و شفقت ایشان صمیمانه قدردانی وسپاسگزاری می نمایم.

یقیناً در دوران بیشتر از دو نیم دههٔ گذشته، فرآورده های بی شماری ، چه توسط آنهایی که در سنگرهای داغ جهاد ومقاومت سپری کرده اند و یا در سایهٔ حاکمیت زمامداران وقت ، وچه کسانی که دور از آغوش میهن قرار داشته اند .. مطالبی انشاد شده که بایست احساس سرایندگان آن را ستود وکارنامه های شان را ثبت تاریخ فرهنگ و ادب نمود.

با توجه به انچه گفته آمد، صاحب این قلم ازتمام شعرای محترم ومتعلق به همه اقوام ساکن در این مرزوبوم، با کمال احترام تقاضا به عمل می اورد تا آن دست سروده هایی را که منوط به روز گار یاد شده وحاوی روحیه دفاع از ارزشهای جهاد و مقاومت ، حراست از وطن و آزادی ، شرح جنایات یورشگران ودست نشاندگان ، بیانگر دردها ، الام ، مصائب، رنجها و نارسایی ها بوده باشد، به یکی از نشانی های ذیل بفرستند تا به یاری خدای توانا ، با استفاده از آنها به غنا مندی کتاب یا اثر مورد نظر بیفزاییم.

نشانی های مکاتباتی ما : دفتر هفته نامهٔ مجاهد ـ چهار راهی پروان دوم ـ جادهٔ بادام باغ ، صندوق پستی ۲۲۶ .

دفتر بنیاد فرهنگی وآموزشی شهید مسعود رح : کابل شش درک، سرک جوار کلوپ عسکری .

برادر تان : ملکزاد